تعبیر معرفتی موت در آیه «كُلُّ نَفس ذائِقَةُ المَوتِ»

حاج آقا می‌فرمودند: کسانی که چشم‌شان می‌بینند، می‌بینند که لحظه به لحظه، نفسش از جای دیگر می‌آید. یعنی اگر نایی تمام است. لحظه به لحظه، درست مثل یک جریان است. «كُلُّ نَفس ذائِقَةُ المَوتِ»[1]؛ ما ذائقه را بعد از صد و بیست سال معنا می‌کنیم. اما خب، «ذائقه» که نمی‌گویی «کل نفس سوف تذوق الموت»، می‌گویی «ذائقة الموت». اصلاً کار نفس که از عالم دیگر به این‌جا آمده است، دم به دم «ذائقة الموت» است.

شاگرد: ضمیر «فیه» در تعبیر «علم ما فیه» به چه می‌خورد؟

استاد: در آن «ما». «ولو علم الانسان ما وه»؛ «وه» به انسان بر می‌گردد و «فیه» به «ما». مثلاً کسی را روی دیوار می‌برند. چشمش را بسته‌اند، ولی دیوار ای طنابی است که زیر پایش هزاره متر گود است. چشمش را بسته‌اند. می‌گویند اگر بداند که کجا دارد، راه می‌رود، قالب تهی می‌کند. یعنی اگر انسان موقعیت و خصوصیت زمانی و مکانی و وجودی که در آن است را بداند ... .

شاگرد۲: «ما وه فیه» همان موت است؟ چون بعدش می‌گویی «خوفا من الموت».

استاد: احسنت. اصلاً نکته این است. «ولو علم الانسان ما وه فیه لمات خوفا»؛ خوفاً از چه چیزی؟ خوف از این‌که از جای بلند پایین بیافتد؟! خوف از چه چیزی است که می‌میرد؟! «خوفاً من الموت». لذا گفتم که این متمحض در حکمت است. اصلاً این عبارت نمی‌خواهد موعظه کند. بلکه حتی اشاره به یک امر مخفی می‌کند که قابل موعظه کردن هم نیست. یک حکمت بسیار مخفی است. «ولو علم الانسان ما وه فیه لمات خوفا من الموت و من نجی فبفضل الیقین». اگر نجات پیدا کند به فضل یقین به کیفیت «ما وه فیه» است. یقین به موت.

---

[1]. العنکبوت، آیه‌ی ۵۷.

بازبینی #2
ایجاد شده 9 نوامبر 2024 15:22:26 توسط ... .
به روزرسانی شده 28 نوامبر 2024 11:22:50 توسط ... .